

شگرد انگلیسی‌ها

برای شکست نهضت مشروطه

(۲)

عمل می‌کنیم، اگر دانستیم که موقعیت مابه‌نحوی است که دشمن از محاسب‌بی‌پرده‌جور دیگری عمل می‌کنیم.»^{۹۷/۱۲/۲۳} در مرتبه‌ی دوم، «هر کشوری، هر جامعه‌ای حواشی دارد؛ این حوادث بعض‌اً حادث خوب است، بعض‌اً حادث تلخ است... نوع مواجهه‌ی بالین حادث خیلی مهم است که چه جور بالین حادث موافق بشویم.»^{۹۷/۱۲/۲۳} مثلاً «یک وقت انسان وارد میدان می‌شود آن‌ماهی ترسد. این یک جور عکس العمل واکنش و حضور در مقابل دشمن است، یک وقت بادی‌یری واردمی شود. در روابط دارد «خُضَ الغَمَّاتُ لِلْحَقِّ» وارد میدان می‌شود بادی‌یری، با شجاعت؛ این هم یک جور دیگر برخورد. ببینید، ما نگاه کنیم به وضع کشورهای دنیا؛ کشورهایی که ما با آنها آشنا هستیم، مسائلشان را می‌دانیم؛ هر دو جور حرکت‌هارا مادر کارهای اینهای بینیم.»^{۹۷/۱۲/۲۳}

همه‌این کشورها از آمریکامی ترسند جز شما

«ین خاطره را بر هانقل کرده‌ام که در یکی از مجامع بین‌المللی که نطق خیلی پرشوری در آن جا علیه تسلط قدرت‌ها و نظام سلطه در دنیا ایراد کرد و آمریکا و شوروی را در حضور بیش از صدهیات نمایندگی و رؤسای دولت‌ها، به نام کوپید و محکوم کرد، بعد از آن نطق، عده‌ی زیادی آمدند تحسین و تصدیق کردند و گفتند: همین سخن شمارست است. یکی از سران کشورها که یک جوان نقلایی بود -والبته بعدهم اور اکشتند - نزد من آمد و گفت: همه‌ی حرف‌های شمارست است. منتها من به شما بگویم که به خودتان نگاه نکنید که از آمریکانی ترسید؛ همه‌ی اینهایی که در این جانشته‌اند، از آمریکا می‌ترسند! بعد سرشن را زدیک من آورد و گفت: من هم از آمریکا می‌ترسم!»^{۶۸/۱۱/۱۹}

«در شرایط مروع شدن، ترسیدن، مضطرب شدن، متلاطم شدن، حتی باورهای قطعی انسان هم از یاد می‌رود. انسان مروع، این طور است. «جنی»، هم عقل را زکار می‌اندازد، هم عزم را. انسان مروع و جبان، نه درست می‌تواند فکر کند، نه درست می‌تواند عزم و اراده خودش را به کار بیندازد؛ دائم یک قدم به جلو برمی‌دارد و یک قدم به عقب. این است که پیغمبر اکرم به امیر المؤمنین در آن وصیت معروف خودفرمود: «ولا تشاورن جباناً لآنَ يضيقَ عليك المخرج»؛ با آدم جان و ترس در هیچ کاری مشورت نکن، زیرا که گریگاد و دریچه‌ی فرج را بر رویت می‌بیند. انسان وقتی که مروع نیست، می‌تواند درست فکر کند، درست تضمیم بگیرد و از این مانع عبور کند؛ اما وقتی مروع شد: «يضيقَ عليك المخرج»؛ به یعنی، نکنم دچار می‌شود و خود را دست پسته‌تسليمه‌ی کند.»^{۸۲/۷/۳}

امام از هیچ چیزی نمی‌ترسید

در مقابل، «ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقهیانه احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خالل به وجود خواهد آمد. در کوشش از کبریات و ضغفیریات؛ گاهی انسان کبریات را درست می‌فهمد.»^{۲۵}

حزب الله این است |

تفاوت بین انقلابی مثبت با انقلابی منفی

خبر هفته |

واکنش رهبر انقلاب اسلامی به جنایت اخیر رژیم آل خلیفة

خطارات رهبری |

واسایلی که رهبر انقلاب در زندان همراه خود داشت



یک سیاستمدار برای آنکه بهترین تصمیم را بگیرد، در مرتبه‌ی اول باید بداند که «در کجا تاریخ استاده است؟» باید همین «شناخت واقعیت‌های میدان» مهم است. یعنی



شهید حقیقت را در لابلای ظلمت زمانه می‌بینند | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای عملیات ثار الله

شهیدان عزیز جزو کسانی بودند که نور حقیقت را در لابلای ظلمت‌های مترآکم زمانه دیدند و به سوی آن شتافتند. مهم این است. خیلی‌ها حقیقت را نمی‌فهمند؛ خیلی‌ها حقیقت را می‌بینند، ولی شهامت و جرأت اقدام برای حقیقت را ندارند؛ اما کسی که هم توانی آن را دارد که حقیقت را باید و ببیند و هم جرأت و دلیری این را دارد که به سوی حقیقت بشتاید و وظیفه خود را در این راه انجام دهد، اور هر برهمه‌ای از زمان که باشد، یک انسان بر جسته است؛ پیر باشد، نوجوان باشد، زن باشد، مرد باشد؛ در هر قشری از قشرهای اجتماعی باشد. | عملیات ثار الله در ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۱ با هدف آزادسازی ارتفاعات مهم مشرف بر منطقه، تامین کامل جاده قصر شیرین به سر پل ذهاب صورت پذیرفت که با پیروزی رزم‌نگان اسلام‌این عملیات به پایان رسید.



نه نکته درباره نهضت مشروطه از نگاه رهبر انقلاب

شگرد انگلیسی‌ها برای شکست نهضت مشروطه

«من به جوانان عرض می‌کنم، با تاریخ گذشته‌نیز دیک کشور تان آشنا شوید؛ چون یکی از راههای فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به وفور صورت می‌گیرد.» ۸/۸/۲۰۱۸ آنچه خواندید تنها نمونه‌ای از توصیه‌ی مکرر رهبر انقلاب به جوانان می‌باشد مطالعه‌ی تاریخ و تقویت حافظه‌ی تاریخی جامعه است. رهبر انقلاب امایه‌ای تووصیه‌ی کلی اکتفا نکرده‌اند و به مصادیقی از موضوعات تاریخی و سرفصل‌هایی که می‌توانند در برنامه‌ی مطالعات جوانان و نوجوانان قرار گیرند بیشتر اشاره‌ای داشته‌اند. مطالعه‌ی تاریخ انقلاب‌های معاصر، تاریخ مشروطه، تاریخ ملی شدن صنعت نفت، تاریخ دفاع مقدس و تاریخ انقلاب اسلامی از این جمله است. نشریه‌ی خط حرب‌الله به مناسب سالگرد امضای فرمان مشروطه، در گزیده بیانات پیش‌رو، مژوی کرده است بر دیدگاه‌های کلیدی رهبر انقلاب درباره نهضت مشروطه.

مشروطه چگونه شکل گرفت

۱ دوران استبداد حکومت قاجار مردم را به جان آورده بود. مردم و دلسوزان جامعه قیام کردند؛ پیشو از آنها هم علمای دین بودند. در نجف، مرجع تقلیدی مثل مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی؛ و در تهران سه نفر عالم بزرگ -مرحوم شیخ فضل‌الله نوری، مرحوم سید عبدالله بهبهانی، مرحوم سید محمد طباطبائی- پیشوایان مشروطه بودند... اینها می‌خواستند که در ایران عدالت برپا شود؛ یعنی استبداد را بین بروند. وقتی که جوش و خروش مردم دیده شد، دولت انگلستان که آن وقت در ایران نفوذ بسیار زیادی داشت و از عواملی در میان روش‌شنکران برخوردار بود، اینها را دید و نسخه خودش را به اینها القاء کرد. البته در بین همان دلسوزان هم عده‌ای از روشنکران بودند. حق آنها باید ضایع شود؛ لیکن یک عده روشنکر هم بودند که مزدور و خود فروخته و از عوامل انگلیس محسوب می‌شدند. این روشنکران به جای این که دنبال دستگاه عدالت باشند و یک ترکیب ایرانی و یک فرمول ایرانی برای ایجاد عدالت به وجود آورند، مشروطیت را رسرا کار آوردند. ۱۳۷۹/۷/۱۴

نهضتی که ضد استعماری و ضد استبدادی بود

۲ وقتی به علمانگاه‌می کنیم، می‌بینیم ساقمه‌ی فعالیت علمای خلیلی پیش از دوره‌ی مشروطیت است. شاخصه‌ی آن فعالیت‌های قبلی، «خدیجگانه‌بودن...» بود... اصل‌وجه ضداستبدادی در فعالیت‌های علمای، یک‌وجه منطوی در جنبه‌ی ضدبیگانه و ضداستعماری بود... نتیجه‌این است که اگر کسی وجه ضدسلطه‌ای بیگانه را در حرکت مشروطه ندیده بگیرد، مثل این است که ماهیت و هویت این حرکت را دردیده گرفته است. ۸۵/۲/۹

عدالتخواهی شعار اصلی علمای

۳ ادرنهضت مشروطه آشعار علمای «عدالت‌خواهی» بود. به طور مشخص آنچه که می‌خواستند، «عدالت‌خانه» بود. این، یک توقع اخلاقی نبود؛ چون خواست عدالت‌چیزی نبود که این همه سرو صدابخواهد... اما این جنجالی که به وجود آمد و آن تحصن‌ها، آن ایستادگی‌ها و بعد مقابله‌هایی که با دستگاه استبداد شد و فداکاری‌هایی که انجام گرفت، فقط یک درخواست اخلاقی محض نبود، بلکه آنچه چیز دیگری را که فراتر از یک درخواست اخلاقی بود، می‌خواستند. ۸۵/۲/۹

هدف مشروطه خواهان، جلوگیری از ظلم شاه بود

۴ [علمای و متدین] می‌خواستند یک دستگاه قانونی ای وجود داشته باشد که بتواند پادشاه و همه‌ی سلسله مراتب حکومتی را تحت کنترل و نظارت خودش قرار بدهد... حالا این می‌توانست تفسیر شود به مجلس شورای ملی یا مجلس شورای اسلامی؛ می‌توانست تفسیر شود به یک چیز دیگر. آنچه آنها می‌خواستند یک نهاد عملی و یک واقعیت قانونی بود که قادر است این را داشته باشد که جلوی را بگیرد؛ چون شاه اسلحه و سرباز داشت که اگر می‌خواستند جلوی او را بگیرند، طبعاً بایستی این دستگاه قدرتی فراتر از سرباز و سربازخانه داشته باشد. ۸۵/۲/۲۹

در آغاز انقلاب اسلامی ادعاهایی اعلام می‌شد، در حال حاضر چقدر به آن ادعاهار رسیده‌ایم؟

این سؤال مهمی است. این انقلاب بیش از آدعا، آرمانهایی داشت. انقلاب نیامده بود که برای مردم ایران پاسخ‌گویی کند. انقلاب، انقلاب خود مردم بود. مردم برای تحقق آرمانهایی انقلاب کردند. این آرمانها عبارت بود از ساختن یک ایران آباد و آزاد، داشتن مردم آگاه و بخوردار از عدالت اجتماعی، نجات از واپشتگی و عقب‌ماندگی علمی و استبداد و قهری که آن روز براین مملکت حکم‌فرما بود. می‌پرسید ما چقدر به این اهداف رسیده‌ایم؛ من عرض می‌کنم که تحقق این اهداف، تدریجی است؛ چیزهایی است که باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم به قدم پیش رفت. نظام اسلامی، یک نظام پیش‌ساخته - مثل خانه‌های پیش‌ساخته - نیست؛ نظامی است که باید آجر و سنج سنگ روی هم چید و آن را بالا برد. در اثنای این کار، طبیعی است که مشکلاتی پیش بیاید. این مفاهیمی هم که من گفتم - عدالت اجتماعی، آزادی، اگاهی، معنویت؛ که جزو مبانی این نظامند - مفاهیم ایستا و متحجری نیستند. اینها چیزهایی هستند که بر حسب پیشرفت و اقتضایات زمان، ممکن است مصادیقشان تغییر پیدا کند... بنابراین ما پیشرفت زیادی کردیم؛ منتها اگر از من پرسید که آیا به این حد قائم، پاسخ من این است: ابداً. ۲۲/۱۲/۷۹

خبر هفته

واکنش رهبر انقلاب اسلامی به جنایت اخیر رژیم آل خلیفه

در پی شهادت دو تن از جوانان بحرینی توسط رژیم آل خلیفه بحرین، حساب تؤییر عربی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب اسلامی، موضعی از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در واکنش به این جنایت را منتشر کرد. رهبر انقلاب درباره این حادثه فرمودند: «ظلم و زور پایدار نخواهد ماند و تصمیم و اراده ملت‌های عدالت طلب سراج‌جام پیروز خواهد شد.» گفتندی است رژیم آل خلیفه در ادامه سرکوب معتبرضان خود، روز شنبه‌ی هفته جاری دو تن از جوانان بحرینی به نام‌های «احمد الملاکی» ۲۴ ساله و «علی العرب» ۲۵ ساله، را پس از شکنجه، اعدام کرد.



در صفحات اشتباهمی کند. این در ک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی گیریات و صفریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ والا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضای اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهد بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان لک را به ما خواهند چسباند؛ این ترس هافهم انسان را هم مختلط می‌کند. گاهی انسان به خاطر این ترسها به خاطر این ملاحظات صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمیتواند مسئله را درست در ک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباخ خواهد شد.

۸۸/۷/۲۶

بنابراین «در مواجهه با حادث نباید چار ترس و دلهره شد. الا ان اولیاء الله لا خوفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُم يَحْزَنُون»؛ این آیه‌ا در سوره‌ی یونس است؛ نگاه کرد، در سوره‌ی بقره [هم] شاید چهار پنچ جلا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُم يَحْزَنُون در مورد مؤمنین آمده. خب این به خاطر ایمان است، به خاطر ارتباط با خدا است، به خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد. امام (رضوان‌الله‌علیه) واقع‌نمی‌ترسید. ما یک وقای خدمت ایشان نشسته بودیم - همان اول انقلاب؛ همان وقت‌هایی که با آن بنده خدا یک‌دو داشتیم سر قضایای نیروهای مسلح و این حرف‌ها - بنده به ایشان گفتیم «علت اینکه شما مثلاً فلان جمله را درباره‌ی فلان شخص گفتید این است که می‌ترسید...»؛ می‌خواستم بگویم «می‌ترسید که نیروهای مسلح مثلاً بدانشان بیاید»، تا گفتم «می‌ترسید»، ایشان همین جور با لفاظه گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم». ایشان منتظر نشند که متعلق ترس را بگوییم؛ تا گفتم «شما می‌ترسید»، ایشان گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم»، واقع‌آن همین جور بود؛ ایشان از هیچ چیز نمی‌ترسید.

۹۷/۱۲/۲۳...

«شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شخص‌های است. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌های که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عده‌ی اولت این بود که مسئولان - پیشوanon قائله‌ی ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آhad مردم عنصر مؤمن، فعل، فداکار، آماده‌ی به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا و قوی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین می‌رود و این ظرفیت هم نابود می‌شود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت با عظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.»

۰۸۷/۹/۲۴

اختلاف، موجب کامیابی انگلیس شد!

نکته‌ای که مورد توجه هست، این است که چه شد که غربی‌ها مشخصانگلیسی‌ها، در این مسئله کامیاب شدند؛ از چه شکرگردی استفاده کردن که کامیاب شدند. در حالی که مردم که جمیعت اصلی هستند، می‌توانستند در اختیار علماء باقی مانندواجازه داده نشود که شیخ فضل الله جلو چشم همین مردم به دار کشیده شود؛ قاعده‌ی قضیه این بود. به نظر من مشکل کار از این جای پیش آمد که اینها توانستند یک عدمی از اعضا‌ی جبهه‌ی عدالت خواهی - یعنی همان اعضای دینی و عمدتاً علماء - را فریب بدند و حقیقت را برای اینها پوشیده نگه دارند و اختلاف ایجاد کنند.

۸۵/۲/۲۹

مردم و علماء «عدالت اسلامی» می‌خواستند

معیار این عدالت، قوانین اسلامی بود؛ یعنی «عدالت اسلامی» می‌خواستند؛ در این هیچ تردیدی نیست و این را برای ها و بارا گفته بودند. آنچه که مورد درخواست مردم بود این بود، که متشش هم مواد اسلامی و احکام اسلامی و قوانین اسلامی است. انگلیس‌ها ... آمدند بر این موج فرست طلبانه مسلط شدند و این را گرفتند و از شاه عبدالعزیز هدایتش کردند به سفارت انگلیس، بعد هم گفتند مشروطه! مشروطه هم از نظر الہام‌دهنگان معلوم بود که معنایش چیست!

۸۵/۲/۲۹

خوش باوری، کار دست علماء داد!

انسان وقتی به اظهاراتی که مرحوم آسید عبدالله بهبهانی و مرحوم سید محمد طباطبائی در مواجهه و مقابله‌ی با حرف‌های شیخ فضل الله و جناح ایشان داشته‌اند، نگاه می‌کند، این مسئله را در می‌بادد که عدمی حرف‌های همین است که ... حرف‌هایی را که از سوی روشنفکرها به وسیله‌ی عمال حکومت گفته می‌شدو و عده‌هایی را که داده می‌شد، حمل بر صحت می‌کرند. این طوری گفتند که: شما دارید عجله‌ی می‌کنید؛ سوءظن دارید؛ اینها هم دهد شان دین است! این مسائل در مکاتبات، نامه‌های صدراعظم و ... به مرحوم آخوند منعکس شده است. انسان می‌بیند که حساسیت آنها را در مقابل انحراف کم کرده‌اند؛ اما حساسیت بعضی‌ها مثل مرحوم آشیخ فضل الله باقی ماند؛ اینها حساس ماندند؛ اصرار کردن و در متهم، آن مسئله‌ی پنج مجتهد جامع الشرایط را نگران‌جاذبند و مقابله کرند. یک جمع دیگری از همین جبهه، این حساسیت را از دادند و دچار خوش باوری و حسن‌ظن و شاید هم نوعی تعاقف شدند.

۸۵/۲/۲۹

نهضت از مسیر خودش منحرف شد

نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که این نهضت عظیم مردم که پشت سر عالم و به نام دین و با شعار دین خواهی بود، بعد از مدت بسیار کوتاهی متنهای به این شد که شیخ فضل الله نوری را در تهران به دار کشیدند. اندک زمانی بعد، سید عبدالله بهبهانی را در خانه‌اش ترور کردند. بعد از آن هم سید محمد طباطبائی در انزوا و تنها بی از دنیا رفت. آن وقت مشروطه را هم به همان شکلی که خودشان می‌خواستند برگردانند؛ مشروطه‌ای که بالآخره متنهای به حکومت رضاخانی شد!

۱۳۷۹/۷/۱۴

غفلتی که امام خمینی (ره) دچار آن نشد

من به انقلاب خودمان که نگاه می‌کنم، می‌بینم هنر بزرگ امام این بود که دچار این غفلت نشد؛ اساس کار امام این است. امام اشتباه نکرد که حرفی را که گفته بود و هدفی را که اتخاذ کرده بود، در سایه‌ی تبیه و ظاهرسازی‌های شعارهای دیگران گم کند و فراموش کند. این، اساس کار موققیت امام بود که مستقیم به طرف هدف پیش رفت؛ صریح و عربیان آن را جلوی چشم قرار داد و به طرف آن حرکت کرد. متأسفانه این کار را زعمای روحانی و مشروطه نکردن و برایشان غفلت ایجاد شد؛ فلذا اختلاف شد. اختلاف که به وجود آمد، آنها سلطنت پیدا کرند.

۸۵/۲/۲۹



